

الاسرة الناجحه (خانواده موفق)

السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَاحٌ وَ زَوْجَتُهُ فَلَاحَةٌ. آقای زارعی کشاورز و همسرش نیز کشاورزست.

هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أَوْلَادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ. ایشان با فرزندانشان در روستا ساکن هستند.

عَارِفٌ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْوَيْنِ. عارف از برادرها بزرگ تر است.

وَ سُمِّيَهُ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْتَيْنِ. و سمیه از خواهرها بزرگ تر است.

هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. (آنها) ایشان خانواده ای موفق هستند.

بَيْنَهُمْ نَظِيفٌ وَ بُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَ الْعَنْبِ وَ الرُّمَانِ وَ التُّفَاحِ.

خانه شان پاکیزه و باغشان پر از درختان پرتقال، انگور، انار و سیب است.

جَوَّازٌ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ الْأَوْلَادِ: گفت و گویی میان پدر و پسران

الوالد: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟ پدر: ای عارف کجا رفتی؟

عَارِفٌ: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَ الْجَدَّةِ مَعَ صَادِقٍ وَ حَامِدٍ. عارف: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه با صادق و حامد.

الوالد: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَادِقُ وَ يَا حَامِدُ؟ پدر: ای صادق و حامد چگونه بازگشتید؟

الأخوان: بِالسِّيَارَةِ. دو برادر: با اتومبیل.

الوالد: لِمَاذَا ذَهَبْتُمْ أَتُمَا الْأَوْلَادُ؟ پدر: ای پسرها چرا رفتید؟

الإخوة: لِمُسَاعَدَةِ جَدِّنَا. برادرها: برای کمک به پدر بزرگان.

جَوَّازٌ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَ الْبَنَاتِ: گفت و گویی میان مادر و دختران.

الوالدة: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا سُمِّيَّةُ؟ مادر: ای سمیه کجا رفتی؟

سُمِّيَّةُ: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَ الْجَدَّةِ مَعَ شَيْءٍ وَ نَرَجِسُ. سمیه: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه با شیما و نرگس.

الوالدة: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءُ وَ يَا نَرَجِسُ؟ مادر: ای شیما و نرگس چگونه برگشتید؟

الأختان: بِالسِّيَارَةِ. دو خواهر: با اتومبیل.

الوالدة: لِمَاذَا ذَهَبْتُنَّ أَيُّهُمَا الْبَنَاتُ؟ مادر: ای دخترها چرا رفتید؟

أخوات: لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا. خواهرها: برای کمک به مادر بزرگان

www.my-dars.ir